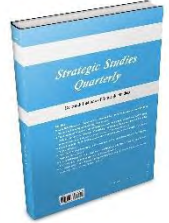




دائرة علوم استراتيجيات و قدرات
مركز بحوث الدراسات الاستراتيجية
Quarterly.risstudies.org

Strategic Studies Quarterly

Volume 26, Issue 4, pp 7-28



P-ISSN: 1735-0272

E-ISSN: 2980-910X

Article history:

Received 15 Oct 2023

Accepted 28 Dec 2023

Published online 11 Mar 2024

Neighborhood and Integration: The Foreign Policy Doctrine of the Raisi Administration

Mohammad Jamshidi ¹, Yaser Nooralivand ^{2*}

¹ Assistant Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran

² Faculty member of the Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran

* Corresponding author email address: Nooralivand@riss.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Jamshidi, M., & Nooralivand, Y. (2024). Neighborhood and Integration: The Foreign Policy Doctrine of the Raisi Administration. *Strategic Studies Quarterly*, 26(4), 7-28. Doi: [10.22034/SSQ.2024.192302](https://doi.org/10.22034/SSQ.2024.192302)



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

With fifteen neighboring countries on its land and water borders, Iran is the second country with the largest number of neighbors in the world after China. However, when considering a broader neighborhood (including secondary neighbors), an additional ten countries can be included, bringing the total count of bordering and non-bordering neighbors to 25. This extensive neighborhood presents both challenges and opportunities for Iran. While it offers potential avenues for cooperation and growth, it also poses threats that require careful consideration. Paying attention to this issue from the perspective of opportunities or challenges shows the necessity of placing it at the top of the country's foreign policy priorities. However, despite the emphasis in foundational documents on the significance of the neighborhood environment in foreign policy, the absence of a strategic approach in this regard over the past four decades has led to the creation of threats rather than opportunities for the national interests of the Islamic Republic of Iran. In response, the 13th Iranian government has critically assessed the historical neglect of neighboring countries in Iran's foreign policy. As a result, it has introduced the doctrine of 'neighborhood and integration' to capitalize on these opportunities and effectively address the associated threats. Based on this, the paper aims to explore the meaning and application of this doctrine. Specifically, it delves into its principles, goals, and strategic approaches in the context of developing relations with neighboring countries.

Methodology

This study employs a qualitative research method, specifically the ‘descriptive-analytical’ approach. It draws from documentary sources, official statements by foreign policy officials, library research, and online resources. The analysis of the 13th government’s neighborhood doctrine is presented in six sections: 1) Neighborhood and integration in international relations knowledge; 2) Historical gaps in Iran’s foreign policy neighborhood approach; 3) Neighborhood and integration as a focal point in the 13th government’s foreign policy; 4) Principles of neighborhood and integration policy in the 13th government; 5) Strategy for neighborhood and integration policy by the 13th government; and 6) Implementation of the neighborhood and integration doctrine in practice.

Result and discussion

Iran, as the second country with the largest number of neighboring countries in the world, possesses significant potential. This potential can be both an opportunity and a challenge and largely depends on the perception of political governance and its orientation. Unfortunately, in Iran’s contemporary history, the challenging and threatening aspects of the neighborhood environment have often prevailed. While the ever-changing geopolitics and shifting borders of Iran’s neighbors contribute to this situation, other critical factors come into play. Notably, past governments have often overlooked the importance and position of the neighborhood environment in foreign relations. Their minimalistic approach and the absence of a well-defined strategic framework have also exacerbated the situation.

In addressing these issues, the 13th government has anchored its foreign policy on the doctrine of neighborhood and integration. Within this framework, fostering relations with neighboring countries and promoting regional integration serve as crucial components of foreign relations and act as a balancing factor in the country’s overall foreign policy. The government extends the concept beyond mere good neighborhood, taking a comprehensive view that encompasses both immediate neighbors and secondary neighbors. This approach is guided by principles such as respect for territorial integrity, non-interference in internal affairs, nurturing an endogenous regional order, cooperative security, and mutual interaction. These principles are deemed essential for establishing strategic and systematic relations with neighboring nations and are seen as prerequisites for successful regional integration.

The 13th government has characterized neighborhood policy as a stable and enduring strategy, rather than a temporary or fleeting tactic. Consequently, its advancement necessitates a well-defined plan and a specific strategic approach. Within this framework, the government acknowledges the region’s realities, particularly significant challenges such as security issues and the limitations of regional cooperation. It firmly believes that the region cannot swiftly extricate itself from these complexities. Instead, the path forward lies in building mutual trust, fostering regional stability, enhancing economic cooperation, and extending coordinated and collective security efforts.

Keywords: *Neighborhood; Neighborhood Policy; Regional Integration; Foreign policy Doctrine; The 13th Government*



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده مطالعات راهبردی

Quarterly.risstudios.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۱۵ مهر ۱۴۰۲

اصلاح شده در تاریخ ۱۷ آذر ۱۴۰۲

پذیرفته شده در تاریخ ۰۷ دی ۱۴۰۲

منتشر شده در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۴۰۲

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، پیاپی ۱۰۲، صفحه ۷-۲۸



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷

شاپای الکترونیکی: X-۹۱۰X-۲۹۸۰

همسایگی و همگرایی: دکترین سیاست خارجی دولت دکتر رئیسی

محمد جمشیدی^۱، یاسر نورعلی وند^۲

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: Nooralivand@riss.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

ویژگی پُرمسایگی برای کشورهای برخوردار از آن هم فرصت‌ساز است و هم چالش‌آفرین. این موضوع موجب می‌شود همسایگی لاجرم به یکی از جهت‌گیری‌های اصلی سیاست خارجی کشورهای پُرمسایه تبدیل شود. ایران با داشتن پانزده همسایه هم‌مرز در دستة کشورهای پُرمسایه جهان قرار دارد. با وجود این، یکی از ضعف‌های تاریخی سیاست خارجی ایران چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن، خلأ دکترین همسایگی در سیاست خارجی و کم‌توجهی به همسایگان و جایگاه آن‌ها در منظومه روابط خارجی است. دولت سیزدهم تنها دولت در جمهوری اسلامی ایران است که به‌طور رسمی سیاست «همسایگی و همگرایی» را به عنوان دکترین سیاست خارجی خود معرفی کرده و در این راستا به برندسازی و گفتمان‌سازی پرداخته است. در همین راستا، مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤالات برآمده است که مراد از دکترین همسایگی و همگرایی چیست؛ این دکترین بر مبنای چه اصول و اهدافی در دستورکار قرار دارد و از چه راهبردی برای توسعه روابط با همسایگان و همگرایی منطقه‌ای پیروی می‌کند.

کلیدواژگان: همسایگی، سیاست همسایگی، همگرایی منطقه‌ای، دکترین سیاست خارجی، دولت سیزدهم.



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله

متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله

به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی

به صورت گرفته است. (CC BY 4.0)

Doi: 10.22034/SSQ.2024.192302

مقدمه

ایران با داشتن پانزده کشور همسایه خاکی و آبی، پس از چین، دومین کشور دارای بیشترین تعداد همسایه در جهان است. علاوه بر این، اگر منطقه وسیع‌تر همسایگی (همسایگان همسایگان) در نظر گرفته شود، ده کشور دیگر نیز به این فهرست اضافه می‌شود و مجموع همسایگان هم‌مرز و غیرهم‌مرز ایران به ۲۵ کشور می‌رسد. این پهنه گسترده همسایگی، برای هر کشوری علاوه بر خلق فرصت‌های بسیار، چالش‌زاست. از نگاه فرصت‌محور، اشتراک ایران با بسیاری از این کشورها صرفاً به مجاورت جغرافیایی محدود نیست و همبستگی‌های دینی، مذهبی، فرهنگی، زبانی و قومی را نیز در بر می‌گیرد. این پیوندها و اشتراکات گسترده، ظرفیت‌های بی‌نظیری را برای همکاری و توسعه تعاملات در اختیار ایران قرار داده است. به طور خلاصه، وجود یک بازار بزرگ تجاری، دسترس‌پذیری بیشتر و هزینه و زمان کمتر ترانزیت کالا و خدمات، امکان رقابت بیشتر به سبب همبستگی‌های جغرافیایی- فرهنگی و بهره‌وری از مرزهای متعدد همسایگی و کاهش ضریب تحریم‌پذیری از جمله مهمترین فرصت‌های محیط همسایگی است که به پیشبرد مهمترین دستورکار راهبردی سال‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران یعنی اقتصاد مقاومتی کمک شایانی می‌کند.

از نگاه تهدیدمحور، محیط همسایگی ایران، جزو پرتنش‌ترین مناطق جهان به حساب می‌آید. در همین رابطه جالب‌توجه است که بیشترین تغییرات مرزی معاصر جهان در نتیجه فروپاشی شوروی بوده که در محیط همسایگی ایران رخ داده است. علاوه بر این، بیشترین جنگ‌ها در دوره پس از فروپاشی شوروی در محیط همسایگی ایران روی داده است. همچنین بالاترین میزان لشگرکشی ایالات‌متحده در سال‌های پس از جنگ سرد در محیط همسایگی ایران حادث شده است. گسترده‌ترین انقلاب‌ها پس از انقلاب‌های اروپای شرقی در دهه ۱۹۸۰، انقلاب‌های عربی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بوده که باز هم در محیط همسایگی ایران به وقوع پیوسته است. همچنین بزرگترین تهدید تروریستی جهان (یا همان داعش) نیز در محیط همسایگی ایران بروز و ظهور یافته است. اگر به تحولات فوق، جنگ‌های داخلی، کودتا و اختلافات تنش‌آمیز بین‌دولتی نظیر اختلاف بر سر مرزها و منابع مشترک و اختلاف‌های سیاسی و ایدئولوژیک نیز افزوده شود، درک این محیط به عنوان پرتنش‌ترین و بحرانی‌ترین منطقه جهان کار چندان دشواری نیست.

چه از نگاه فرصت‌محور به محیط همسایگی ایران نگرسته شود یا چه از نگاه چالش‌ز بودن آن، نه تنها منطقی و عقلانی نیست که این محیط به حال خود رها شود بلکه ضرورتاً می‌باید در صدر اولویت‌های سیاست خارجی کشور قرار گیرد. این در حالی است که با وجود تأکید اسناد بالادستی در توجه و اهمیت ویژه به محیط همسایگی در سیاست خارجی، فقدان سیاست همسایگی راهبردی در چهار دهه گذشته موجب شده، محیط همسایگی بیش از فرصت‌سازی، برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران چالش‌زا و تهدیدآفرین باشد. بنابراین، دولت سیزدهم به ریاست ابراهیم رئیسی، ضمن نگاه انتقادی نسبت به کم‌توجهی تاریخی به جایگاه همسایگان در سیاست خارجی ایران، برای بهره‌گیری از فرصت‌های همسایگی و مدیریت تهدیدهای آن و همچنین ریل‌گذاری درست در سیاست خارجی کشور، «همسایگی و همگرایی» را به عنوان دکترین سیاست خارجی خود معرفی کرده است. در همین راستا، مقاله حاضر بر این محورها متمرکز است که مراد از دکترین همسایگی و همگرایی چیست؛ این دکترین بر مبنای چه اصول و اهدافی در دستورکار قرار دارد و از چه راهبردی برای توسعه روابط با همسایگان پیروی می‌کند.

الف) همسایگی و همگرایی در دانش روابط بین‌الملل

هرگونه مطالعه در زمینه سیاست همسایگی، مستلزم تعریف مفاهیم همسایه و همسایگی و نسبت آن با همگرایی منطقه‌ای است. در همین راستا، با وجود اینکه از نظر تاریخی، روابط بین کشورهای همسایه قدیمی‌ترین متغیر در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود (Jackson, 2006: 217)، اما تمرکز و تأکید اصلی دانش روابط بین‌الملل بر ساختار کلان نظم بین‌المللی در عصر کنونی، به تقلیل جایگاه و نقش همسایگی و مناسبات میان کشورهای همسایه در سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل انجامیده است. در واقع اهمیت این مفهوم در دانش روابط بین‌الملل تحت شعاع دو رویکرد کل‌نگر نظم جهانی و نظم منطقه‌ای قرار گرفته است. این عامل موجب شده تا رشته مطالعاتی روابط بین‌الملل در زمینه مفهوم همسایگی با فقر مفهومی و نظری مواجه باشد (Lin, 2010: 5).

یک نقطه شروع خوب برای بحث درباره معنی و مفهوم همسایه^۱، تعریف ساده‌ای است که فیلیپ آبرامز در مطالعه منتشرشده پس از مرگش «همسایگان: کار فیلیپ آبرامز» ارائه کرده است. آبرامز در این مطالعه از همسایگان به معنای «مردمی که در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند» یاد می‌کند (Bulmer, 1986: 21). مورگان نیز در تعریفی مشابه، همسایگان را به‌عنوان واحدهایی که در نزدیکی یکدیگر در یک محله زندگی می‌کنند، تعریف می‌کند (Morgan, 2009: 11). در یک تعریف دقیق‌تر و مرتبط‌تر با حوزه روابط بین‌الملل، کشورهای همسایه از دو ویژگی کاملاً مشخص برخوردارند: نخست آن‌ها در یک فضای جغرافیایی مشخص قرار دارند که از نظر فیزیکی نزدیک و همجوار هستند؛ و دوم، تحولات و سیاست‌های یکی می‌تواند بر دیگری تأثیر بگذارد و بالعکس. ویژگی نخست یادآور «اصل همجواری^۲» و ویژگی دوم تبیین‌کننده «اثر همسایه^۳» است.

مطابق با تعریف فوق، نزدیکی جغرافیایی یا همجواری، ویژگی نخست و بنیادین تعریف‌کننده مفهوم همسایه است. بر پایه همین ویژگی است که در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، بر اصل «حسن همجواری^۴» برای تنظیم روابط بین دو کشور همسایه تأکید می‌شود. اصل حسن همجواری اصلی جهانشمول و پذیرفته‌شده است و جزء ضروری روابط مسالمت‌آمیز بین کشورهای همسایه به‌شمار می‌رود. این اصل اساسی مستلزم پرهیز از ارتکاب به هرگونه اقدامی است که می‌تواند روابط بین دو کشور همسایه را متشنج کند. به عبارتی دیگر، این اصل متضمن توسعه روابط عادی و مسالمت‌آمیز بین کشورهای همسایه است (Florea & Gales, 2020: 5).

با این حال زمانی که صحبت از همسایگی^۵ یا به‌طور مشخص‌تر سیاست همسایگی^۶ به میان می‌آید، چیزی بسیار فراتر و فراخ‌تر از نزدیکی جغرافیایی یا همجواری در دایره تعریف قرار می‌گیرد. در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، «همسایگی» در برابر «همسایه‌بودن» متغیر بسیار مهمتری به حساب می‌آید. اگرچه پیروی از هنجارها و عمل به کنوانسیون‌های تعریف‌شده در مورد کشورهای همسایه، شاخص یک همسایه «خوب» است اما برای تعریف همسایگی کافی نیست. در حالی که همسایه، مقوله‌ای جغرافیایی و محدود به روابط مبتنی بر مرز است، همسایگی پایان جغرافیامحوری و مرزمحوری و آغاز فرایندی اجتماعی و جامعه‌شناختی در روابط با همسایگان است. همسایگی نه واقعیتی جغرافیایی بلکه واقعیتی هنجاری یا اخلاقی است. در واقعیت نیز همسایه‌بودن ناگزیر به همسایگی می‌انجامد. بنابراین، همسایه واقعیتی

1. Neighbor

2. Neighborliness

3. The Neighbor Effect

4. Good neighborliness

5. Neighborhood

6. Neighborhood Policy

جغرافیایی و همسایگی بیشتر ابعادی عرفی- اخلاقی دارد و اهمیت بحث همسایگی از همین جا و از همین تفکیک آغاز می‌شود (طاهایی و موسوی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲). در این چارچوب، همسایگی بر پایه تعامل متقابل مبتنی بر اعتماد و احترام برای شکل‌دادن به مناسبات راهبردی و نظام‌مند با همسایگان تعریف می‌شود. در واقع همسایگی، تعاملی هنجاری و ارادی است که در قالب نقش همسایه انجام می‌شود (Keller, 1968: 29)؛ چیزی که آبرامز از آن به عنوان الگوهای واقعی و قابل مشاهده تعامل بین همسایگان یاد می‌کند. از نظر آبرامز روابط همسایگی به وسیله کیفیت کنش متقابل بین همسایگان مشخص می‌شود (Bulmer, 1986: 21). بنابراین، همسایگی به عنوان یک مفهوم از معنای عادی یعنی مرزهای مشترک یا مجاورت جغرافیایی فراتر می‌رود و منعکس‌کننده سطح نزدیکی و شدت تأثیر و تعامل متقابل و میزان اشتراک ارزش‌های مشابه، نگرانی‌ها و تهدیدهای مشترک، ایدئولوژی‌ها و علایق فرهنگی و شکل‌دهی به مشارکت‌های تجاری بین یک کشور و همسایگان آن است (Murthy & Pai, 1986: 71).

ویژگی دوم و مهم‌تر تعریف همسایگی، همبستگی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری همسایگان از همدیگر است که در قالب مفهوم و ایده‌ای به نام «اثر همسایه» بهتر درک می‌شود. مفهوم اثر همسایه ناظر بر این واقعیت است که همسایگان در یک زیست‌جهان مشترک قرار دارند و بنابراین از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی به شدت از هم تأثیر می‌پذیرند و بر هم اثر می‌گذارند. به بیان دیگر، در این زیست‌جهان مشترک، کشورهای همسایه به همان اندازه که از ثبات و بالندگی یکدیگر منتفع می‌شوند، از تنش‌ها و نابسامانی‌های یکدیگر نیز تأثیرپذیری بسیار بالایی دارند (Grechyna, 2017: 8). در واقع به سبب همین ویژگی اثر همسایه است که ارتقای روابط خوب همسایگی همواره یکی از اهداف اساسی سیاست خارجی دولت‌ها و به‌ویژه قدرت‌های جهانی - «سیاست همسایه خوب»^۱ ایالات متحده در زمان فرانکلین روزولت، «سیاست همسایگی خوب چین»^۲ در زمان دنگ شیائوپینگ، «سیاست اول همسایگی هند»^۳ و «سیاست همسایگی اروپایی»^۴ اتحادیه اروپا- بوده است.

تعاریف بالا از همسایگی و دیدگاه‌های نظری در مورد اثر همسایه، به خوبی نشان می‌دهد که همسایگی مقدمه و پیش‌زمینه همگرایی منطقه‌ای است. به بیان دیگر، همسایگی خوب عنصر سازنده منطقه است و همسایگان و محیط همسایگی سامان‌مند مرحله‌ای ماقبل منطقه‌گرایی و شرط عقلی لازم برای تحقق آن است؛ چه اینکه روشن است که بدون تفاهات دوجانبه قبلی - آن هم از نوع نهادینه‌شده میان همسایگان - پروژه‌های منطقه‌گرایی سرانجامی نخواهند داشت. همسایگی عنصر سازنده منطقه است. منطقه‌گرایی که ادبیات گسترده‌ای نیز در دانش روابط بین‌الملل دارد، خود در عمل، بر بنیاد روابط همسایگی قرار دارد (طاهایی و موسوی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳).

در واقع بلوغ همسایگی نقطه آغاز همگرایی است. همگرایی منطقه‌ای به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن کشورهای همسایه و همجوار توافق می‌کنند همکاری خود را از طریق قوانین و نهادهای مشترک نهادینه، تقویت و توسعه دهند که این طبیعتاً بدون پیش‌نیازی با عنوان همسایگی امکان‌پذیر نیست. روند همگرایی موفق معمولاً با سیاست همسایگی خوب بین کشورهای یک منطقه آغاز می‌شود و به تدریج با ایجاد شبکه‌ای از پیوندها و همکاری‌های مختلف به سطح بالایی از یکپارچگی اقتصادی و سیاسی تسری می‌یابد. در مجموع با رجوع به دانش روابط بین‌الملل و همچنین تجارب تاریخی موجود در مناسبات بین‌المللی، می‌توان گفت ارزش همسایه در همسایگی و ارزش همسایگی در همگرایی

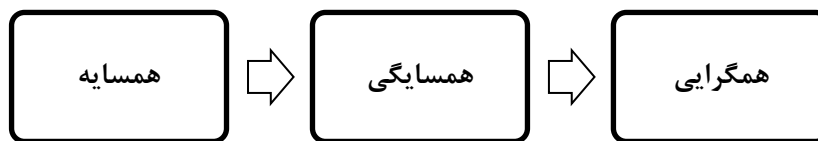
1 . Good Neighbor Policy

2 . China's Good Neighbor Policy

3 . India's Neighborhood First Policy

4 . European Neighborhood Policy

میان همسایگان نهفته است. در واقع همان طور که الگوی مفهومی زیر نشان می‌دهد، همگرایی بلوغ همسایگی و همسایگی بلوغ همسایه بودن یا همجواری است.



شکل ۱- رابطه مفهومی بین همسایه، همسایگی و همگرایی

ب) خلأ تاریخی سیاست همسایگی در سیاست خارجی ایران

روابط بین کشورهای همسایه نخستین و اصیل ترین رابطه در سیاست بین الملل و قدیمی ترین متغیر روابط بین الملل است. در اصالت روابط همسایگی همین بس که سیاست خارجی اولین بار در مدیریت روابط با همسایگان معنا پیدا کرده؛ اولین جنگ‌ها بین همسایگان رخ داده؛ و اولین قواعدی که در حقوق بین الملل یافت می‌شود، به قوانین بین کشورهای همسایه اختصاص دارد. همه این‌ها نشان‌دهنده ارزش و اهمیت بنیادین همسایه و همسایگی در سیاست خارجی کشورها است. با وجود این، یکی از ضعف‌های تاریخی سیاست خارجی ایران چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن، خلأ سیاست همسایگی در سیاست خارجی و کم توجهی به همسایگان و جایگاه آن‌ها در منظومه روابط خارجی است. تحت تأثیر همین نقطه ضعف تاریخی، در طول تاریخ سیاست خارجی ایران، رویکرد واگرایی بیش از همگرایی منطقه‌ای استیلا داشته است. در واقع از نظر شاخص همسایگی و همگرایی، محیط همسایگی ایران در قیاس با سایر مناطق به شدت عقب مانده است. با وجود آنکه روندهای همگرایی در این منطقه از دهه‌ها پیش آغاز شده اما پیشرفت چندانی نداشته و روندهای همگرایی جز در موارد معدودی پس زده شده‌اند.

به نظر می‌رسد که ضعف فوق به طور کلی از سه عامل ساختاری، سیاست‌گذارانه و رویکردی نشأت گرفته است. نخست، عامل ساختاری یعنی تغییر مداوم مرزهای همسایگی و ژئوپلیتیک همسایگی دائماً در حال تغییر ایران است؛ اگر دوران صفویه را نقطه عزیمت تاریخی بحث خود قرار دهیم، مرزهای همسایگی ایران از آن زمان - که تقریباً با مرزهای ایران دوره ساسانیان برابری می‌کرد - تا دوره معاصر دائماً در حال تغییر و دگرگونی بوده است. از عهدنامه قصرشیرین در ۱۶۳۹ میلادی بین ایران و عثمانی در دوره صفویه که طی آن عراق به عثمانی واگذار شد، تا عهدنامه‌های گلستان در ۱۸۱۳ و ترکمنچای در ۱۸۲۸ که منجر به انضمام منطقه قفقاز به روسیه شد، تا عهدنامه پاریس در ۱۸۵۷ و آخال در ۱۸۸۱ که به جدایی افغانستان، مرو و خوارزم انجامید و از جدایی بحرین از ایران در دوره پهلوی دوم در ۱۹۷۰ تا تجزیه شوروی در ۱۹۹۱ که منجر به شکل‌گیری همسایگانی جدید در مرزهای شمالی ایران شد، مرزها و محیط همسایگی ایران دائماً در حال تغییر و ناپایدار بوده است. اگر به تغییر و تحولات مرزی فوق، موضوع تغییر و تحولات سیاسی داخلی پرشماری نظیر جنگ، جنگ داخلی، کودتا و انقلاب در کشورهای همسایه افزوده شود، تلاطم محیط همسایگی به شکل فزاینده‌تری درک می‌شود. این در حالی است که پیشبرد سیاست همسایگی نیازمند محیط همسایگی پایدار که خود مستلزم مرزهای پایدار، نظام‌های سیاسی پایدار و راهبردها و سیاست‌هایی پایدار است.

عامل دوم، عاملی سیاست‌گذارانه و ناشی از کم توجهی دولت‌ها به اهمیت و جایگاه محیط همسایگی در منظومه روابط خارجی بوده است. در حالی که مرزهای همسایگی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ثبات و پایداری نسبی رسیده و در دهه‌های گذشته شرایط برای تعریف

یک سیاست همسایگی جامع و هدفمند فراهم بوده است، اما این بار نیز با وجود توصیه‌های مکرر مقام معظم رهبری به ویژه در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه در زمینه توسعه روابط با همسایگان (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری ۳۰ بهمن ۱۳۹۲؛ دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، یکم فروردین ۱۳۹۳؛ ۱ فروردین ۱۴۰۰ و ۲۱ شهریور ۱۴۰۱)، این کم‌توجهی دولت‌های پس از انقلاب به اهمیت و جایگاه کشورهای همسایه بوده که اجازه نداده سیاست خارجی کشور در خدمت به فعلیت‌رساندن چنین فرصتی قرار گیرد. در واقع عامل دوم خلأ سیاست همسایگی در سیاست خارجی ایران را باید در کم‌توجهی به اهمیت بنیادین حلقه همسایگان در سیاست خارجی و ارجحیت سیاست خارجی آن‌ها به رابطه با قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای به جای روابط با همسایگان جستجو کرد. یک ارزیابی اجمالی از کارنامه سیاست خارجی در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که روابط با قدرت‌های جهانی و فرامنطقه‌ای بسیار مهمتر از روابط با کشورهای همسایه بوده است. در واقع، در دولت‌های پیشین سیاست همسایگی جایگاهی مستقل نداشت و نحوه تنظیم مناسبات با همسایگان تابعی از روابط ایران با قدرت‌های جهانی و تحت تأثیر مناسبات کلان بین‌المللی قرار داشت.

عامل سوم، عاملی رویکردی مبتنی بر برداشت حداقلی از سیاست همسایگی و یکی‌انگاشتن آن با حسن همجواری است. در دوره معاصر، نگاه ایران به همسایگی بیشتر مبتنی بر سیاست حسن همجواری بوده است؛ سیاستی سنتی و با نگاهی محدود و حداقلی بر پایه جغرافیامحوری و به رسمیت‌شناختن و احترام به مرزها و داشتن روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای همسایه. سیاستی که همواره و عمدتاً با نگاه «یک همسایه خوب بودن» به جای تلاش برای ایجاد مناسبات همسایگی تنظیم شده است. سیاستی سلبی و مبتنی بر دفع تهدید همسایگان به جای نگاه ایجابی و مبتنی بر فرصت بهره‌گیری از پتانسیل‌های محیط متنوع همسایگی. این در حالی است که سیاست همسایگی - همانطور که در بخش پیشین تشریح شد - به معنای امروزی و پیچیده خود، چیزی فراتر از حسن همجواری و تلاش صرف برای داشتن روابط عادی و مسالمت‌آمیز با همسایگان است. در همین چارچوب، شاید بتوان بخش زیادی از مشکلات میان ایران و همسایگان را ناشی از این نگاه سنتی و بی‌توجهی به مقوله همسایگی و الزامات امروزی آن دانست.

در مجموع باید معترف بود که ایران با وجود قرارگرفتن در یک محیط همسایگی با ظرفیت‌های متعدد و متنوع، تاکنون فاقد یک سیاست همسایگی مدون و مشخص برای بهره‌برداری از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های همسایگی در راستای قدرتمندسازی کشور بوده است. این در حالی است که ظرفیت‌های محیط همسایگی متنوع ایران، همواره ضرورت تدوین یک سیاست همسایگی راهبردی و قدرتمند را برای دفع تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های آن به سیاستگذاران کشور گوشزد کرده است.

ج) همسایگی و همگرایی حلقه کانونی سیاست خارجی دولت سیزدهم

دولت سیزدهم تنها دولت در جمهوری اسلامی ایران است که به‌طور رسمی سیاست «همسایگی و همگرایی» منطقه‌ای را در حلقه کانونی سیاست خارجی خود قرار داده است. تا پیش از روی کار آمدن دولت سیزدهم، با وجود طرح شعارهایی کلی در زمینه توسعه مناسبات با همسایگان در دولت‌های گذشته، این سیاست از حد شعار فراتر نرفت زیرا نه طرح و برنامه‌ای برای اجرای آن ارائه شد و نه اقدام هدفمند و چشمگیری از سوی وزارت خارجه و مسئولان دستگاه دیپلماسی برای بهبود مناسبات با همسایگان صورت گرفت. از این نظر باید سیاست همسایگی را برند سیاست خارجی دولت سیزدهم دانست. در همین راستا، دولت سیزدهم از همان ابتدای شروع به کار، دکترین سیاست خارجی خود را همسایگی و همگرایی اعلام کرد و عمده تلاش‌های دیپلماتیک خود را به سامان‌دهی مناسبات با همسایگان و به‌کارگیری ظرفیت‌های آن برای بن‌بست‌شکنی در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی معطوف داشته است.



در این چارچوب، ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور دولت سیزدهم و دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت امور خارجه، در محافل و نشست‌های مختلف بارها بر اهمیت بهبود و توسعه مناسبات با همسایگان و اولویت استراتژیک آن در سیاست خارجی دولت سیزدهم تأکید کرده‌اند. آقای رئیسی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری تأکید کرد: «دست دوستی و برادری به سوی همه کشورهای منطقه به‌ویژه همسایگان دراز می‌کنم و دست آن‌ها را به گرمی می‌فشارم... جمهوری اسلامی ایران، کشورها و ملت‌های همسایه را خوشایند خود می‌داند و مهم‌ترین و اصلی‌ترین اولویت سیاست خارجی خود را ارتقای روابط با کشورهای همسایه خود دانسته و خواهان عزت و اعتلای آن‌ها است» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، چهاردهم مرداد ۱۴۰۰). رئیس‌جمهور در همین زمینه در سخنرانی خود در بیست‌ویکمین اجلاس سران سازمان شانگهای در شهریور ۱۴۰۰ نیز تصریح کرد: «زمانی که من ریاست جمهوری اسلامی را عهده‌دار شدم، جهت‌گیری سیاست خارجی خود را تمرکز بر چندجانبه‌گرایی اقتصادی و تقویت سیاست همسایگی به معنی وسیع آن و تقویت حضور در سازمان‌های منطقه‌ای معرفی کردم» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۲۶ شهریور ۱۴۰۰). وی در گردهمایی رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه نیز سیاست دولت خود در ارتباط با همسایگان را «یک حرکت استراتژیک برای ایران» توصیف کرد (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۲۰ آذر ۱۴۰۰). ایشان همچنین در جریان سفر خود به کشور قطر، در نشست تخصصی با تجار و فعالان اقتصادی قطری و ایرانی، بر این امر تأکید کردند که: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط همسایگی استوار است و معتقدیم ظرفیت‌های بسیاری در کشورهای همسایه وجود دارد که این ظرفیت‌ها باید احیا شود (پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه، ۳ اسفند ۱۴۰۰).

با وجود این، مهمترین و جامع‌ترین دیدگاه رئیس‌جمهور دولت سیزدهم در باب سیاست همسایگی، در جریان سخنرانی ایشان در هفتاد و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۴۰۲ مطرح شد. آقای رئیسی در این سخنرانی برای نخستین بار با قراردادن «همسایگی» در کنار «همگرایی» دیدگاه روشن‌تری در زمینه سیاست همسایگی و چارچوب‌های آن ارائه داد: «درست در زمانی که برخی قدرت‌ها، جهان را به سوی جنگ‌های بیشتر پیش می‌برند، جمهوری اسلامی ایران سیاست «همسایگی و همگرایی» را مطرح کرده است.» از نظر آقای رئیسی سیاست همسایگی نه سیاستی محدود به همسایگان هم‌مرز بلکه سیاستی وسیع و منطقه‌ای است: «سیاست همسایگی، سیاستی خیرخواهانه برای منطقه است و بر این اساس، همکاری‌های گسترده اقتصادی و تقویت پیوندهای زیرساختی در صدر دستورکار منطقه‌ای قرار می‌گیرد. همسایه مستقل و قدرتمند برای منطقه فرصت است.» رئیس‌جمهور با بیان اینکه سیاست همسایگی دولت سیزدهم، فصل نوینی از روابط سودمند با کشورهای همسایه، همسو و هم‌اندیش را رقم زده است، افزود: «در سطح امنیتی، سیاست همسایگی به دنبال تضمین امنیت پایدار از طریق همکاری‌های درون‌منطقه‌ای و ممانعت از مداخله خارجی است. از قفقاز تا خلیج فارس، هرگونه حضور بیگانه، نه تنها بخشی از راه‌حل نیست، بلکه خود مشکل است. ما امنیت همسایگان را امنیت خود و هرگونه ناامنی برای آن‌ها را ناامنی برای خود می‌دانیم» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۲۹ شهریور ۱۴۰۲).

حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه نیز در نشست‌ها و دیدارهای مختلف توسعه همه‌جانبه روابط با همسایگان را یکی از محورهای بنیادی در دکترین سیاست خارجی دولت سیزدهم برشمرده است. در همین راستا امیرعبداللهیان در سخنرانی خود در «همایش ملی ایران و همسایگان» یکی از اولویت‌های اساسی مطرح‌شده از ابتدای شروع به کار دولت سیزدهم را اولویت‌بخشی به همکاری و تعامل با همسایگان دانست و افزود: «دولت سیزدهم با این اولویت در تعامل و گفت‌وگو با همسایگان در تلاش است تا با حداکثرسازی ظرفیت‌های موجود، به‌فعلیت‌رساندن ظرفیت‌های معطل مانده و بهینه‌سازی روابط دوجانبه با کشورهای همسایه را تا تحقق این هدف مجدانه پیگیری کند» (مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۸ بهمن ۱۴۰۰). امیرعبداللهیان همچنین در سومین نشست مجمع گفت‌وگوی تهران با

عنوان «سیاست همسایه‌محور جمهوری اسلامی ایران با رهیافتی به سوی دوستی و اعتمادسازی»، تأکید کرد: «دولت جمهوری اسلامی ایران مفهوم همسایگی را محور سیاست خارجی خود قرار داده و با تمام توان به اعتمادسازی و تقویت پایه‌های دوستی با همسایگان در منطقه می‌اندیشد و در این مسیر با قوت گام بر می‌دارد» (مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۲۸ آذر ۱۴۰۱). با تفاسیر فوق و با نگاه به عملکرد دولت در دو سال ابتدایی خود می‌توان گفت سیاست همسایگی و همگرایی در دستورکار دولت سیزدهم اهداف اساسی زیر را پیگیری می‌کند:

۱. بازگرداندن تعادل به سیاست خارجی: بازگرداندن تعادل به سیاست خارجی، مبتنی بر اصل نه شرقی نه غربی، از مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی دولت سیزدهم است که مهم‌ترین الزام آن حفظ استقلال کشور در عین توجه و تأکید بر روابط متعادل با قدرت‌های شرق و غرب و شمال و جنوب جهان است. تعادل مدنظر سیاست خارجی دولت سیزدهم مبتنی بر سه اصل تعریف می‌شود: نخستین اصل تأکید بر تعادل است و نه توازن. از نظر دولت سیزدهم همه کشورها و مناطق در منظومه روابط خارجی کشور هم‌سنگ و هم‌وزن یکدیگر نیستند، بنابراین سیاست خارجی اساساً نمی‌تواند متوازن باشد. از دیدگاه دولت سیزدهم، تعادل یعنی تعامل به همه جهان بر اساس عدالت. بر این مبنا، هر کشوری که با منطق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هم‌سوتر است و همگامی بیشتری با منافع آن دارد، از اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار است و بنابراین از وزن بیشتری در سیاست خارجی کشور برخوردار خواهد بود. دومین اصل، تعادل مفهومی و حوزه‌ای در سیاست خارجی است. بدین معنی که قدرت و منافع صرفاً در حوزه نظامی - امنیتی دنبال نمی‌شود، بلکه حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیک را نیز شامل می‌شود. هر حوزه‌ای در جای خود مهم، امنیت‌ساز و منفعت‌آفرین است. اصل سوم، تعادل بین سیاست داخلی و سیاست خارجی است. از منظر دولت سیزدهم، سیاست خارجی می‌باید در خدمت تقویت اقتصاد داخلی قرار گیرد. سیاست خارجی از یک سو ادامه سیاست داخلی و از دیگر سو، تقویت‌کننده آن است. اگر سیاست خارجی به توانمندسازی اقتصاد و منزلت کشور نینجامد، سیاست خارجی ناقص و ناکارآمدی خواهد بود.

ترجمان بازگرداندن تعادل در سیاست خارجی در حوزه سیاست همسایگی، این است که سیاست همسایگی و همگرایی منطقه‌ای نه جایگزینی برای غرب‌محوری یا شرق‌محوری بلکه نقطه ثقل و تعادل‌بخش ژئوپلیتیکی بین آن‌ها است؛ به این معنی که تا مناسبات با محیط همسایگی و پیرامونی سامان نیابد و در تراز با سایر مناطق سیاست خارجی متعادل نشود، نمی‌توان به تعادل ساختاری و کلان مدنظر در سیاست خارجی کشور اندیشید. به بیان دیگر، یکی از عوامل مهم فقدان سیاست خارجی متعادل، جایگاه ضعیف همسایگان در روابط خارجی ایران است. در واقع یکی از مصادیق فقدان تعادل در سیاست خارجی کشور، کم‌توجهی تاریخی به وزن و جایگاه راهبردی همسایگان در روابط خارجی است. از این رو، سیاست همسایگی دولت سیزدهم نه تنها در تعارض با شعار سیاست خارجی متعادل نیست، بلکه سیاستی دقیق و حساب‌شده برای تحقق آن است. بنابراین، از دیدگاه دولت سیزدهم یکی از راه‌های تحقق سیاست خارجی متعادل، توجه بیشتر به توسعه مناسبات با همسایگان و شکوفایی ظرفیت‌های مغفول‌مانده آن در روابط خارجی ایران است.

۲. خنثی‌سازی یا کم‌اثرسازی تحریم‌ها: پس از تأکیدهای مکرر رهبر معظم انقلاب در سال‌های گذشته در مورد تلاش برای خنثی‌سازی تحریم‌ها (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، چهارم آذرماه ۹۹ و ۲۶ آذر ۹۹)، سیاست خنثی‌سازی تحریم‌ها یکی از سیاست‌های محوری و کلان جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت و مقابله با فشار تحریم‌های ایالات متحده بوده است. با این حال، پیگیری این سیاست چه از نظر گفتمانی و چه از نظر اجرایی در دولت سیزدهم بیش از دولت‌های گذشته مورد توجه قرار گرفته است. در واقع یکی از محورهای سیاست خارجی دولت سیزدهم، اولویت‌بخشی به راهبرد خنثی‌سازی تحریم در عین پیگیری همزمان سیاست رفع تحریم بوده است. از نظر دولت



سیزدهم، یکی از مهمترین راهکارهای تحقق سیاست خنثی‌سازی تحریم‌ها، توجه ویژه به ظرفیت‌های محیط همسایگی ایران است. در همین راستا دولت سیزدهم بر این باور است که محیط همسایگی ایران با برخورداری از ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی چون وجود همسایگان متنوع و متعدد با بازاری بزرگ، قرابت فرهنگی- اجتماعی و نزدیکی بیشتر ذائقه و الگوی مصرفی کشورهای همسایه با محصولات ایرانی و از همه مهمتر دسترسی مستقیم به همسایگان از طریق مرزهای همجوار و کنترل‌های تحریمی بسیار کمتر در قیاس با مرزها و کریدورهای بین‌المللی، مناسب‌ترین بستر برای خنثی‌سازی تحریم‌هاست و می‌باید در اولویت سیاست خارجی کشور قرار گیرد.

۳. گسترش تجارت و روابط اقتصادی با همسایگان: در تجارت جهانی، همسایگان هر کشور، اولین و مهمترین مقاصد تجاری آن کشور هستند. در همین زمینه، الیاس سانیداس در پژوهشی که به نقش همسایگان در تبیین صادرات ملی و یکپارچگی منطقه‌ای پرداخته، به این نتیجه رسیده است که همسایگان عامل اصلی تعیین‌کننده تجارت بین‌المللی هر کشور هستند. به بیان روشن‌تر، دایره همسایگان هر کشور نیروی اصلی تعیین‌کننده صادرات ملی آن هستند و حدود ۸۵ درصد از صادرات هر کشوری را در سراسر جهان در بر می‌گیرد (باوجود برخی تفاوت‌های جزئی بین مناطق). یافته‌های سانیداس نشان می‌دهد که کشورهای همسایه شانس یا امکان بسیار بهتری برای صادرات به یکدیگر دارند. هر چه یکپارچگی اقتصادی با همسایگان بیشتر باشد، درصد بیشتری از کل صادرات به همسایگان می‌رسد و شانس بیشتری برای افزایش کل صادرات وجود خواهد داشت. بنابراین برای کشوری که از تعداد همسایگان بیشتری برخوردار است، امکان صادرات بیشتری فراهم است. نمونه‌های مثال‌زدنی از کشورهایی که همسایگان زیادی دارند و مرکز ثقل تجاری خود را ایجاد کرده‌اند، آلمان در اروپا و چین در شرق آسیا هستند (Sanidas, 2018: 2-6). این در حالی است که حجم پایین تجارت با همسایگان، یکی از بزرگترین ضعف‌های روابط خارجی کشور در دهه‌های گذشته بوده است. مطابق با آمار موجود سهم ایران از ظرفیت تجاری ۱۲۰۰ میلیاردی کشورهای همسایه فقط ۲ درصد بوده است. در همین راستا، توسعه روابط با همسایگان و ایجاد پیوندهای اقتصادی پایدار دوجانبه و چندجانبه با آنان یکی از اهداف بنیادین سیاست همسایگی دولت سیزدهم به شمار می‌رود.

۴. ایجاد ثبات منطقه‌ای پایدار و درون‌زا: سیاست همسایگی قدرتمند می‌تواند از طریق حل اختلافات و چالش‌ها با همسایگان و ایجاد وابستگی متقابل و پیوندهای اقتصادی به ثبات منطقه‌ای پایدار بینجامد. فقدان چنین سیاستی اما نتیجه‌ای عکس به دنبال دارد. در همین رابطه، آلبرتو آدس و هاک بین. چوا ایده «نفرین همسایه» را مطرح کرده‌اند. ایده اصلی نفرین همسایه با بهره‌گیری از چند مثال تاریخی در آفریقا، خاورمیانه و آمریکای جنوبی این است که بی‌ثباتی منطقه‌ای در کشورهای همسایه اثرات منفی قوی بر رشد اقتصادی آن‌ها دارد (Ades & Chua, 1993: 1-3). ملیسا لی نیز در پژوهش خود، از طریق تجزیه و تحلیل آماری و بهره‌گیری از چندین مثال تاریخی، به این نتیجه رسیده است که همسایگان متخاصم از طریق استراتژی مداخله خارجی، اقتدار دولت را بر قلمرو خود تضعیف می‌کنند. کشورهای دارای همسایگان متخاصم ممکن است با پیامدهای مضر برای اعمال اقتدار دولتی خود در سرزمین‌های مرزی مواجه شوند. علاوه بر این، همسایگان متخاصم از راهبردهایی استفاده می‌کنند که هدف اصلی‌شان ضعیف نگه‌داشتن همسایگان و پیش‌بردن برنامه‌ها و اهداف خود است. در همین راستا، لی استدلال می‌کند که بی‌توجهی به همسایگان رقیب در هنگام تدوین برنامه‌های سیاست خارجی و داخلی می‌تواند به دولت‌هایی که با چالش‌های رشد و توسعه مواجه‌اند، آسیب برساند (Lee, 2018). بهبود رفاه اجتماعی، افزایش امنیت و ارتقای رشد اقتصادی از اهداف اصلی دولت‌ها در سراسر جهان است. پژوهش‌های فوق‌نشان می‌دهد که متخصصان اطلاعاتی، نظامی و سیاست خارجی برای دستیابی به این اهداف باید به ثبات محیط همسایگی و به‌ویژه کنترل و مدیریت نقش همسایگان متخاصم توجهی ویژه داشته باشند. در همین راستا، دولت سیزدهم با در

¹ . The neighbor's curse

پیش‌گرفتن سیاست همسایگی در تلاش است تا از منابع خصومت دوجانبه و تنش و بی‌ثباتی در محیط همسایگی کاسته؛ و فضا را برای همکاری، همگرایی و توسعه متقابل منطقه‌ای فراهم سازد.

۵. اتصال ایران به کریدورهای اقتصادی: یکی از مهمترین اهداف سیاست همسایگی دولت سیزدهم اتصال ایران به کریدورهای اقتصادی^۱ است. اتصال ایران به کریدورهای اقتصادی موجب تبدیل مزیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک کشور به مزیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک می‌شود. کریدورهای اقتصادی به‌عنوان محرک‌های رشد فراگیر و مروج همکاری و همگرایی منطقه‌ای که در واقع تولید، تجارت و زیرساخت‌ها را در یک چارچوب جغرافیایی شناسایی شده پیوند می‌دهند، به مرکز توجه بسیاری از ابتکارات توسعه برنامه‌ریزی شده در سراسر جهان تبدیل شده‌اند (Wolf, 2018: 80-83). امروزه رقابت بر سر کریدورها یک بحث واقعی است و ایالات‌متحده و چین به عنوان دو قدرت بزرگ جهانی به طور جدی این موضوع را پیگیری می‌کنند. جیک سولیوان در سخنرانی خود در مؤسسه واشینگتن در این زمینه تأکید می‌کند: «اگر هیچ چیز دیگری از سخنرانی من به خاطر نسپردید، I2U2 را به‌خاطر بسپارید، چون در آینده بیشتر از آن خواهید شنید. این شراکتی است بین هند، اسرائیل، آمریکا و امارات متحده و مفهوم اصلی آن عبارت است از اتصال آسیای جنوبی به خاورمیانه و آمریکا به روش‌هایی که اقتصاد تکنولوژی و دیپلماسی ما را پیش ببرد» (Sullivan, 2023). قدرت‌های جهانی در حالی بر سر کریدورها در حال رقابت هستند که ایران با وجود ظرفیت بی‌نظیر ژئوپلیتیک برای اتصال به کریدورهای اقتصادی عملاً در این عرصه حذف شده است. کشورهای همسایه ایران اعم از پاکستان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، عراق، قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی با برنامه‌ریزی و مشارکت‌های خارجی که عمدتاً چین و کشورهای اروپایی نقش مهمی در آن دارند، در حال طراحی و اجرای کریدورهای اقتصادی - مهمترین آن‌ها ابتکار کمربند و جاده^۲ و کریدور هند به اروپا موسوم به آی‌مک^۳ است - متعددی هستند که ایران در آن‌ها یا نقشی ندارد یا نقشی حاشیه‌ای دارد. در چارچوب سیاست همسایگی، دولت سیزدهم در تلاش است که از طریق احیا و توسعه روابط با همسایگان نه تنها با دورزدن و حذف ایران از چنین پروژه‌هایی مقابله کند، بلکه نقشی محوری در پروژه‌های شرق به غرب و شمال به جنوب داشته باشد.

۶. مقابله با ایران‌هراسی: یکی از سیاست‌های کلیدی ایالات‌متحده و متحدان آن، ایران‌هراسی و دامن‌زدن به آن از طریق امنیتی‌سازی و ایجاد تصور تهدید منطقه‌ای و جهانی از ایران است. مهمترین دلیل اتخاذ سیاست ایران‌هراسی، رفتار سیاسی مستقل جمهوری اسلامی ایران از شبکه جهانی مبتنی بر سلطه ایالات‌متحده است. غرب و ایالات‌متحده مدت‌هاست که تلاش می‌کنند از طریق پیشبرد سیاست ایران‌هراسی، برخی اقدامات سیاسی و پیشگیرانه را علیه ایران اعمال کنند و روند توانمندسازی آن را مهار کنند (Bill, 2001). مخاطب اصلی پروژه ایران‌هراسی غرب، همسایگان و کشورهای مهم واقع در محیط پیرامونی دور و نزدیک ایران است. بنابراین، یکی از مهمترین اهداف سیاست همسایگی مقابله با پروژه ایران‌هراسی در منطقه است. سیاست همسایگی دولت سیزدهم با تکیه بر اصل تنش‌زدایی و تقویت مناسبات با همسایگان، نه تنها مانع پیشبرد پروژه امنیتی‌سازی و ایران‌هراسی شده، بلکه ایران را به‌عنوان یکی از مدعیان اصلی صلح و ثبات در منطقه معرفی کرده است. در واقع پیشبرد سیاست همسایگی به جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند از طریق کاهش شکاف‌های موجود با همسایگان، رفع سوءتفاهم‌های پیشین در مناسبات، ایجاد شفافیت در نیت و اهداف و اعتمادسازی متقابل، تصور غیرواقعی و برساخته از تهدید ایران را از میان بردارد.

1 . Economic corridors (ECs)

2 . Belt and Road Initiative (BRI)

3 . India-Middle East-Europe Economic Corridor (IMEC)

۷. **پی‌ریزی همگرایی فرهنگی - تمدنی:** یکی دیگر از اهداف سیاست همسایگی و همگرایی دولت سیزدهم، ایجاد یک گفتمان مشترک و وحدت فرهنگی در محیط همسایگی و منطقه‌ای برپایه تمدن، فرهنگ، تاریخ و اعتقادات مشترک است. از نظر دولت سیزدهم، همکاری با همسایگان که از ریشه‌های فرهنگی - تمدنی و تاریخ و اعتقادات مشترکی با ایران برخوردارند، اولویت و ارجحیت بالاتری دارد و همچنین با موانع و چالش‌های کمتری مواجه است. همسایگی پیش از اینکه یک مفهوم سیاسی باشد، یک مفهوم فرهنگی است. بنابراین تقویت بعد فرهنگی مناسبات بستر ساز و تسهیل‌کننده سایر ابعاد روابط است.

بدیهی است که اهداف ترسیم‌شده در سیاست همسایگی نیازمند شناسایی دقیق فرصت‌های مشترک در حوزه ژئوپلیتیکی، اقتصادی، فرهنگی و اشتراکات در زمینه تبادل دانش و اندیشه، امور فرهنگی و هنری، توسعه گردشگری و سرمایه‌گذاری‌های کلان و سودآور اقتصادی و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای موجود است (اکبری و میرمحمدی، ۱۴۰۰: ۱۰).

د) اصول سیاست همسایگی و همگرایی

طبیعتاً هر سیاستی بر یک سری اصول بنیادین استوار است. این اصول در خلأ شکل نمی‌گیرند و تابعی از شرایط عینی محیط سیاست‌گذاری و انگاره‌ها و برداشت‌های ذهنی تصمیم‌گیران و تطابق آن با واقعیت‌های محیطی است. سیاست همسایگی دولت سیزدهم نیز از این قاعده مستثنی نیست و مبتنی بر اصولی است که هم مشخص‌کننده چارچوب سیاسی و هم راهنمای اقدام آن در عرصه اجرا و پیاده‌سازی است. در همین رابطه، مهمترین اصول سیاست همسایگی دولت سیزدهم به قرار زیرند:

۱. **احترام به تمامیت ارضی و خدشه‌ناپذیری مرزهای بین‌المللی در محیط همسایگی:** اصل تمامیت ارضی تعیین‌کننده مرزهای حاکمیت سیاسی و حقوقی هر کشور است. بنابراین حفظ استقلال و تمامیت ارضی و مرزی کشورها، امروزه به‌عنوان یک اصل جهانی مورد پذیرش قرار گرفته است. با وجود این، اختلافات مرزی و بی‌توجهی به اصل فوق همچنان یکی از چالش‌های بی‌ثبات‌ساز محیط همسایگی ایران به شمار می‌رود که از جدیدترین نمونه‌های آن می‌توان به تنش مرزی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان اشاره کرد. از این رو، یکی از اصول بنیادین سیاست همسایگی دولت سیزدهم، تأکید بر خدشه‌ناپذیری مرزهای بین‌المللی و مخالفت با هرگونه تغییر در مرزهای ژئوپلیتیک و بین‌المللی منطقه است. از منظر سیاست همسایگی دولت سیزدهم، تغییر قهرآمیز مرزهای جغرافیایی در محیط همسایگی، نه تنها این محیط را درگیر جنگ و بی‌ثباتی می‌کند، بلکه زمینه را برای دخالت بیش از پیش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مسائل منطقه فراهم می‌سازد.

۲. **احترام به حاکمیت و استقلال سیاسی همسایگان و عدم مداخله در امور داخلی آنان:** اصل احترام به حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشورها که یکی از اصول بنیادین منشور ملل متحد - ماده ۲.۷ منشور ملل متحد - و از جمله حقوق و تکالیف بنیادین دولت‌هاست؛ یکی از اصول قطعی سیاست همسایگی دولت سیزدهم نیز به حساب می‌آید. اصل عدم مداخله دارای دو مفهوم ایجابی و سلبی است. در مفهوم ایجابی به معنای خودمختاری و استقلال عمل دولت‌ها در اعمال حق حاکمیت خود است؛ و از جنبه سلبی به این معناست که امور داخلی در حیطه حاکمیت داخلی دولت‌هاست و هیچ کشوری حق مداخله در آن را ندارد. پیش‌شرط عدم مداخله این است که هر کشوری به حاکمیت و یکپارچگی ارضی دولت‌های دیگر احترام بگذارد (Naigen, 2016: 450). بر پایه این اصل، همه کشورهای همسایه، اعم از کشورهای با مساحت جغرافیایی بزرگ یا کوچک، همجوار یا غیرهمجوار، قدرتمند یا ضعیف، ثروتمند یا فقیر، اعضای برابر جامعه همسایگی هستند و ضمن اینکه همه به یکدیگر در اعمال حقوق حاکمیتی خود احترام می‌گذارند، هیچ‌یک حق دخالت در امور دیگری را ندارند. بنابراین در چارچوب این اصل،

جمهوری اسلامی ایران ضمن پرهیز از مداخله در امور داخلی همسایگان، اجازه نمی‌دهد که هیچ کشوری در امور آن مداخله و به حاکمیت و استقلال سیاسی آن خدشه وارد سازد.

۳. نظم منطقه‌ای درون‌زا و عاری از مداخله قدرت‌های سلطه‌گر فرامنطقه‌ای: نظم منطقه‌ای باید درون‌زا و مبتنی بر پرهیز از هرگونه مداخله قدرت‌های سلطه‌گر فرامنطقه‌ای باشد. تجارب دهه‌های گذشته نشان داده که معامله امنیت و انعقاد پیمان‌های نظامی و سیاسی با قدرت‌های سلطه‌گر فرامنطقه‌ای که همواره با مداخلاتشان بیشترین تهدید را متوجه امنیت منطقه کرده‌اند، نه تنها تأمین‌کننده صلح، ثبات و امنیت منطقه نیست بلکه اساساً مخل آن است. در همین راستا آقای رئیسی در مراسم تحلیف خود، قدرت جمهوری اسلامی ایران را در منطقه امنیت‌ساز دانسته و تأکید کرد: «ظرفیت‌های منطقه‌ای ایران حامی صلح و ثبات در کشورهاست و صرفاً برای مقابله با تهدید قدرت‌های سلطه‌گر و ظالم به کار گرفته خواهد شد. بحران‌های منطقه باید از طریق گفت‌وگوهای واقعی درون منطقه‌ای و بر اساس تأمین حقوق ملت‌ها حل‌وفصل شود» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، چهاردهم مرداد ۱۴۰۰). ایشان در بیست‌ودومین اجلاس سازمان شانگهای نیز تأکید کردند: «الگوی امنیت نوین در آسیا باید بر پایه توسعه مشترک و تعمیق چندجانبه‌گرایی بدون دخالت قدرت‌های خارجی شکل بگیرد تا تدابیر جمعی برای مقابله با چالش‌های پیش روی صلح و توسعه عملیاتی شوند» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۲۵ شهریور ۱۴۰۱). از این رو برای دستیابی به یک نظم منطقه‌ای باثبات و پایدار، این نظم می‌باید از یک سو مبتنی بر پرهیز از مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در امور منطقه؛ و از دیگر سو، مبتنی بر مشارکت همه کشورهای همسایه، اعتماد و درک متقابل بین آن‌ها و بر پایه آرمان‌ها، اهداف، منافع و تهدیدهای مشترکشان و همچنین احترام به اصولی چون حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی، همزیستی مسالمت‌آمیز و حسن همجواری، یک نظم درون‌زا و بومی منطقه باشد.

۴. امنیت همکاری جویانه و دسته‌جمعی: محیط همسایگی از نظر امنیتی، یک مجموعه امنیتی مشترک به حساب می‌آید. مجموعه امنیتی عبارت است از گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به هم گره خورده که امنیت ملی آن‌ها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد. در واقع یکی از مهمترین مؤلفه‌های شکل‌گیری این مجموعه امنیتی، ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است. مجاورت فیزیکی ساده باعث می‌شود تعاملات امنیتی میان همسایگان به مراتب بیشتر از تعاملات امنیتی دولت‌هایی باشد که در مناطق مختلف واقع شده‌اند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۵). در چارچوب این جامعه امنیتی مشترک، سرنوشت دولت-ملت‌های همسایه بنا به علقه‌های مشترک جغرافیایی، دینی، فرهنگی، سنتی و تاریخی به یکدیگر پیوند خورده است و امنیت در آن قابل تجزیه و تفکیک نیست؛ به طوری که یا همگان از آن منتفع خواهند شد یا هیچ‌یک از آن بهره‌ای نخواهند یافت. این ویژگی به همه کشورهای همسایه یادآوری می‌کند که حصول امنیت یک امر همکاری جویانه و دسته‌جمعی است. منطقه غرب آسیا تقریباً از اتکای کامل به تفکر به اصطلاح «حاصل جمع صفر» در مورد مسائل امنیتی رنج می‌برد. این رویکرد، که در آن سود یک طرف لزوماً ضرر طرف دیگر است، بیشتر انواع تعامل در خاورمیانه را شکل داده است. در این چارچوب و به‌عنوان یک اصل اساسی، سیاست همسایگی دولت سیزدهم بر اساس قاعده «حاصل جمع مضاعف» به یک چشم‌انداز مشترک، پایدار، فراگیر و منطقه‌ای از امنیت باور دارد و از همه کشورهای همسایه دعوت می‌کند که با چنین نگاهی به امنیت، از طریق گفت‌وگو و مذاکرات ساختاریافته و هدفمند در راستای ایجاد سازوکارهای حقوقی و نهادی آن گام بردارند.

۵. چندجانبه‌گرایی اقتصادی: راهبرد چندجانبه‌گرایی در بخش اقتصادی جزء اصول و اولویت‌های دکترین همسایگی و همگرایی دولت سیزدهم است. چندجانبه‌گرایی اقتصادی به معنای همکاری جمعی کشورها برای تقویت اقتصادهای ملی، مطلوبیت و اثربخشی عملی خود را در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به اثبات رسانده است. برپایه این اصل جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به بازارهای صادراتی منطقه



و جهان و افزایش سهم خود از این بازارها، باید پیگیری و عضویت در سازمان‌های تجاری جهانی را به یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی خود تبدیل کند. به عبارت دیگر، در کنار توسعه روابط اقتصادی دوجانبه، یکی از مهمترین گزینه‌های پیش روی ایران بسط اقتصاد و تجارت خود، عضویت در ترتیبات تجاری منطقه‌ای و روی آوردن به چندجانبه‌گرایی است.

و) راهبرد سیاست همسایگی و همگرایی دولت سیزدهم

در دولت سیزدهم برخلاف گذشته، به توسعه روابط همسایگی به‌عنوان یک راهبرد ثابت و پایدار نگریده می‌شود و نه یک تاکتیک مقطعی و گذرا. از نظر دولت سیزدهم، تقویت و توسعه مناسبات با همسایگان نیازمند یک سیاست همسایگی مدون و تحقق آن نیازمند یک راهبرد مشخص است. در این چارچوب، راهبرد سیاست همسایگی فراتر از پیشبرد یک سیاست خارجی تعاملی صرف با کشورهای همسایه است و با محوریت سه‌گانه «دیپلماسی اعتمادساز، قدرت امنیت‌ساز و چندجانبه‌گرایی اقتصادی» حاوی گام‌ها و مراحل زیر است:

۱) اعتمادسازی و بازسازی روابط دوجانبه: دانشگاهیان و سیاست‌گذاران مدت‌هاست که پیوند بین اعتماد و حل مسأله‌آمیز اختلافات بین‌دولتی را تشخیص داده‌اند. به عنوان مثال، بیش از ۴۰ سال پیش، کارل دوئیچ، اعتماد را پایه‌گذار روابط صلح‌آمیز معرفی کرد (Deutsch and et al., 1957). اعتماد جزء ضروری هر رابطه است و وجود اعتماد متقابل، نخستین گام و بستر شروع هرگونه همکاری و مشارکت است. اعتماد زیربنای کل نظام سیاسی بین‌المللی است، زیرا تنش و درگیری عمدتاً ناشی از وضعیت‌های بی‌اعتمادی بین طرف‌ها است. اعتماد در صورت وجود، تسهیل‌کننده همکاری و در غیر این صورت، بازدارنده خواهد بود. کسب اعتماد یک بازی حاصل جمع صفر نیست، بلکه یک وضعیت دوطرفه و متقابل است. بدون اعتماد متقابل، همکاری و حل بحران‌ها امکان‌پذیر نیست. یک رابطه ایمن، پایدار، متقابل و مشترک مستلزم اعتماد متقابل است (Wrighton, 2022: 12). در محیط همسایگی ایران، الگوهای سیال دوستی و دشمنی، حاکم‌بودن فضای رقابتی و وجود سطح بالایی از رقابت و تنش در روابط کشورهای منطقه، نگرانی‌های شدید امنیتی همسایگان نسبت به یکدیگر و مداخله‌های عمدتاً غیرسازنده قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مسائل منطقه‌ای، نتیجه‌ای جز زایل شدن اعتماد متقابل کشورهای همسایه نسبت به هم را در پی نداشته است (اکبری و میرمحمدی، ۱۴۰۰: ۸). این وضعیت امکان هرگونه همکاری پایدار و مستحکم را از بین برده است. از این روست که نخستین گام در راهبرد سیاست همسایگی دولت سیزدهم، اعتمادسازی متقابل بین همسایگان از طریق تماس‌های سیاسی منظم و گفت‌وگو و مفاهمه بر پایه آرمان‌ها و منافع مشترک است.

۲. ثبات‌سازی در محیط همسایگی بر پایه قدرت و نفوذ امنیت‌ساز: ثبات بین‌المللی به‌عنوان شرایطی تعریف می‌شود که در آن تنش و خشونت بین‌دولتی اساساً وجود ندارد و احتمال تغییر غیرمنتظره این شرایط به میزان قابل توجهی کم است. در عرصه بین‌المللی سیاست‌های ثبات‌ساز عمدتاً مبتنی بر دو رویکرد پیگیری شده‌اند: نخست، رویکرد سنتی نظامی در چارچوب مداخلات نظامی برای توقف خشونت و درگیری‌ها و ایجاد ثبات با بکارگیری قوه قهریه؛ و دوم، رویکرد سیاسی در قالب دستیابی به توافق‌های سیاسی منصفانه و فراگیر. رویکرد سیاسی به ثبات‌سازی، حول محور ایجاد یک راه‌حل سیاسی جدید و فراگیر است که می‌تواند ثبات را در جوامع ناهمگون تضمین کند. در این چارچوب، ثبات‌سازی مبتنی بر مکانیسم مذاکره و گفت‌وگو در مورد بازتنظیم‌سازی ترتیبات موجود است تا امکان ظهور اشکال غیرخشونت‌آمیز سیاسی و مقابله با اختلافات اساسی بر سر منافع، ایده‌ها و توزیع قدرت فراهم شود (Tana, 2019: 11-14). واقعیت این است که بی‌ثباتی سیاسی افق سیاست‌گذاران را کوتاه می‌کند و با تغییر مکرر سیاست‌ها و ایجاد نوسان، بر کارآمدی نظام‌های سیاسی تأثیر منفی می‌گذارد. پس از جنگ سرد، محیط همسایگی ایران بیش از سایر مناطق جهان درگیر ناامنی و بی‌ثباتی بوده است. این بی‌ثباتی محصول وضعیت تقریباً پایدار ناشی

از شکنندگی درونی دولت‌ها، شکنندگی در روابط بین‌دولتی در منطقه و شکنندگی در روابط کشورهای منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است. این در حالی است که ثبات سیاسی برای مناطق در حال توسعه که هنوز در آن‌ها روند صنعتی‌شدن و توسعه اقتصادی تکمیل نشده، بسیار ضروری است. ثبات سیاسی یکی از عناصر کلیدی برای ارتقای همکاری‌های اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای است. بنابراین، دولت سیزدهم، ثبات را محصول یک فرایند سیاسی منطقه‌ای مشترک و یکی از نیازها و پیش‌زمینه‌های اساسی پیشبرد سیاست همسایگی خود تلقی می‌کند. در همین راستا، می‌توان یکی از مهمترین مصادیق پیگیری این رویکرد در چارچوب سیاست همسایگی دولت سیزدهم را توافق عادی‌سازی مناسبات بین ایران و عربستان در مارس ۲۰۲۳ برشمرد.

۳. گسترش تجارت و نهادینه‌سازی و پایدارسازی همکاری‌های اقتصادی با همسایگان: اولین نتیجه عینی اعتمادسازی و ثبات‌سازی، گسترش تجارت و نهادینه‌سازی همکاری اقتصادی میان همسایگان است. گسترش تجارت و توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای همسایه، عنصر کلیدی و یکی از گام‌های اساسی سیاست همسایگی دولت سیزدهم به شمار می‌رود. پتانسیل زیادی برای تقویت همکاری‌های اقتصادی و تعمیق یکپارچگی تجاری در محیط همسایگی ایران وجود دارد. در واقع، از طریق تقویت اتصال منطقه‌ای در حوزه انرژی، حمل‌ونقل و فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین ترویج همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه تجارت، تأمین مالی و آسیب‌پذیری‌های مشترک، پتانسیل عظیمی برای توسعه تجارت، رشد اقتصادی و مدیریت خطرات زیست‌محیطی در منطقه وجود دارد. در این چارچوب، گسترش تجارت و نهادینه‌سازی همکاری اقتصادی میان کشورهای همسایه می‌تواند حول چهار محور تنظیم شود: نخست، حرکت به سمت تشکیل یک بازار یکپارچه؛ دوم، توسعه اتصال یکپارچه در منطقه؛ سوم، افزایش همکاری‌های مالی؛ و چهارم، همکاری برای رسیدگی به آسیب‌پذیری‌ها و خطرات مشترک.

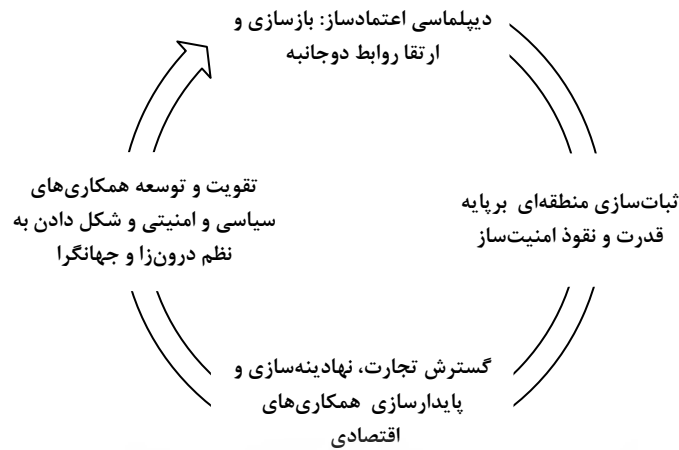
۴. توسعه و تقویت همکاری‌های سیاسی و امنیتی برای شکل‌دادن به نظم دورن‌زا و جهانگرا: همکاری سطح بالای سیاسی - امنیتی عالی‌ترین شکل همگرایی منطقه‌ای است. یکی از ویژگی‌های بارز محیط همسایگی ایران پدیده «معضله امنیت^۱» است. به بیان ساده، از آنجایی که هر یک از کشورهای منطقه تلاش می‌کنند امنیت خود را از طریق اقدامات یک‌جانبه -مانند دستیابی به سلاح‌های پیشرفته‌تر- به حداکثر برسانند، چرخه‌ای از رقابت نظامی - امنیتی شکل می‌گیرد که در نتیجه آن امنیت هیچ کشوری افزایش نمی‌یابد. برای خروج از این چرخه معیوب، سیاست همسایگی دولت سیزدهم تنها مبنای ممکن و عملیاتی را تقویت همکاری‌های اقتصادی و تسری تدریجی آن به حوزه همکاری‌های امنیتی مبتنی بر رویکرد امنیت همکاری جویانه^۲ می‌داند. امنیت همکاری جویانه رویکردی به امنیت است که عمدتاً بر همکاری و گفت‌وگو بین دولت‌های منطقه در توسعه و اجرای مجموعه‌ای از اصول رفتار منطقه‌ای مورد توافق که می‌تواند به عنوان ابزاری برای هدایت درگیری‌ها و اختلافات به دور از خشونت مفید باشد، تأکید دارد (SIPRI, 2011: 6). این واقع‌بینانه نیست که انتظار داشته باشیم امنیت همکاری جویانه رقابت را کاملاً از منطقه حذف کند. با وجود این، آنچه که یک رویکرد منطقه‌ای به امنیت می‌تواند انجام دهد، کمک به کاهش تدریجی ذهنیت رقابتی و جایگزینی آن با ذهنیت همکاری است. این برای تبدیل منطقه از منطقه‌ای که امنیت در آن عمدتاً در زمان بروز اختلاف به خطر می‌افتد، به منطقه‌ای که در آن کشورهای منطقه یا در مورد موضوعات اختلاف‌برانگیز همکاری می‌کنند یا دست‌کم توافق می‌کنند که رقابت باید در چارچوب پارامترهای توافق‌شده -به ویژه، چشم‌پوشی از خشونت- انجام شود، ضروری است.

به طور کلی دو ویژگی منفی بارز محیط همسایگی ایران، پدیده «معضله امنیت» و ضعف همکاری‌های نهادمند منطقه‌ای است. دولت سیزدهم در چارچوب سیاست همسایگی خود باور دارد که منطقه یک‌شبه از این ضعف‌های چالش‌زا و بحران‌آفرین خارج نخواهد شد و هیچ

1 . Security dilemma

2 . Cooperative security

فرمول جادویی جز آغاز روند اعتمادسازی متقابل دوجانبه و منطقه‌ای، ثبات‌سازی منطقه‌ای، تقویت و توسعه همکاری‌های اقتصادی نهادمند و تسری آن به همکاری‌های امنیتی هماهنگ و جمعی وجود ندارد. الگوی نظری راهبرد سیاست همسایگی و همگرایی دولت سیزدهم را می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:



شکل ۲- الگوی نظری راهبرد سیاست همسایگی و همگرایی دولت سیزدهم

ز) تبلور دکترین همسایگی و همگرایی در آیین عمل

برای اینکه راهبرد فوق در سطح نظری باقی نمانده و عملیاتی شود، پیشبرد سیاست همسایگی نیازمند رویکردهایی مشخص در عرصه اقدام و عمل است. این رویکردها از سوی دولت سیزدهم در دو سال گذشته در قالب‌های زیر پیگیری شده است:

۱. **دپلماتسی اعتمادساز دوجانبه:** یکی از رویکردهای اساسی سیاست همسایگی دولت سیزدهم، دپلماتسی منطقه‌ای فعال و کنش‌گر و حرکت در مسیر تنش‌زدایی و تعامل گسترده با کشورهای همسایه بوده است. در این چارچوب، سیاست همسایه‌محور دولت سیزدهم از تلاش‌هایی حمایت می‌کند که مبتنی بر حل مسالمت‌آمیز بحران‌هاست و کشورهای همسایه را به سوی تنش‌زدایی، اعتمادسازی، حل و فصل اختلافات و تقویت همکاری از طریق گفت‌وگو و مذاکره سوق می‌دهد. در همین راستا، دو سال نخست دولت سیزدهم را باید مرحله ریل‌گذاری سیاست همسایگی و تمرکز دولت بر بازسازی و تقویت روابط با همسایگان دانست. این سیاست با محوریت شخص رئیس‌جمهور در حالی پیگیری شده است که در دهه گذشته به بسیاری از این کشورها اساساً سفری انجام نشده بود. آقای رئیسی در این دوره، سفرهای خارجی متعددی به کشورهای همسایه از جمله تاجیکستان (شهریور ۱۴۰۰ و آبان ۱۴۰۲)، ترکمنستان (آذر ۱۴۰۰ و تیرماه ۱۴۰۱)، روسیه (دی ۱۴۰۰ و آذر ۱۴۰۲)، قطر (اسفند ۱۴۰۰)، عمان (خرداد ۱۴۰۱)، ازبکستان (شهریور ۱۴۰۱)، قزاقستان (مهر ۱۴۰۱)، سوریه (اردیبهشت ۱۴۰۲)، عربستان (آبان ۱۴۰۲) و... داشته است. ترمیم و بازسازی روابط سیاسی-دپلماتیک در این برهه بر دوپایه پرهیز از تنش‌زایی جدید و غیرضرور با همسایگان و تلاش برای تنش‌زدایی و حل اختلافات دیرینه دنبال شده است. در همین راستا، دولت رئیسی ضمن برخورد توأم با طمأنینه با برخی بحران‌های جدید همسایگی از جمله در افغانستان، قفقاز جنوبی و نوار غزه، تلاش‌هایی را برای تنش‌زدایی و حل اختلافات دیرینه با برخی همسایگان نیز دنبال کرده است. حاصل این نگاه و رویکرد را می‌توان در برخورد سازنده با مناقشه قره‌باغ در قفقاز جنوبی،

مدیریت تنش‌های برآمده از قدرت‌یابی مجدد طالبان در افغانستان، تغییر فضای روابط با تاجیکستان، عبور از مشکلات و اختلافات با ترکمنستان، گشودن فصل جدیدی از روابط با اکثر کشورهای عربی از جمله عربستان، امارات، کویت، عمان و قطر مشاهده کرد.

۲. دیپلماسی و همگرایی اقتصادی: نقطه کانونی سیاست همسایگی دولت سیزدهم، تمرکز بر دیپلماسی اقتصادپایه و تجارت‌محور با همسایگان است. دیپلماسی اقتصادپایه و تجارت‌محور یکی از ضعف‌های اساسی سیاست خارجی به‌طور کلی و سیاست همسایگی به‌طور خاص است. اگرچه تحریم‌ها شرایط تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی را دشوار کرده است اما نمی‌توان ضعف تاریخی دیپلماسی اقتصادی کشور را در حوزه‌های بازاریابی، بازاریابی، تجارت بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انعقاد موافقت‌نامه‌های دو و چندجانبه انکار کرد. ضعف فوق موجب شده تا «تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان» یکی از موضوعات مورد تأکید مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه باشد (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ۲۱ شهریور ۱۴۰۱). دیپلماسی اقتصادی و تجارت‌محور به‌ویژه در روابط با همسایگان، در کوتاه‌مدت به سیاست خنثی‌سازی تحریم‌ها و در بلندمدت به ارتقای جایگاه اقتصادی کشور در منطقه کمک شایانی می‌کند. از این رو، دولت سیزدهم در سیاست همسایگی خود به دیپلماسی اقتصادی به عنوان یک اصل اساسی می‌نگرد و جایگاه ویژه‌تری به آن در مقایسه با دیگر انواع سیاست‌ها و کنش‌های دیپلماتیک داده است. در این راستا، دیپلماسی اقتصادی در دولت سیزدهم بر دو محور دنبال شده است: حذف موانع تجاری و تلاش برای افزایش حجمی و ارزشی تجارت کالایی با همسایگان؛ ایجاد اسناد جامع همکاری‌های راهبردی و بلندمدت؛ فعال کردن کمیسیون‌های مشترک اقتصادی و تقویت ترانزیت مرزی. به طور کلی یکی از نتایج بازسازی روابط با همسایگان در دو سال نخست دولت سیزدهم، رشد قابل توجه صادرات به کشورهای همسایه بوده است. بر اساس آمارهای گمرک ایران، در ۸ ماهه ۱۴۰۲ مبادلات تجاری با پانزده کشور همسایه به ۳۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته از نظر ارزش ۱۲ درصد و از نظر وزن ۱۷ درصد افزایش داشته است (روزنامه ایران، ۲۳ آذر ۱۴۰۲).

۳. اتصال ایران به کریدورهای اقتصادی و ارتباطاتی بین‌المللی: یکی از سیاست‌های کلیدی دولت سیزدهم پیشبرد پروژه اتصال ایران به کریدورهای اقتصادی و ارتباطاتی بین‌المللی است. اگر قرن گذشته قرن ایجاد مرزهای سیاسی و ستفالیایی برای جداسازی دولت‌های ملی بود، قرن حاضر به‌طور فزاینده‌ای به این موضوع می‌پردازد که چگونه زیرساخت‌های ارتباطی و اقتصادی بین‌المللی می‌توانند «قابلیت اتصال»^۱ بیشتری بین اقتصادها، فرهنگ‌ها و مردم جهان ایجاد کنند. ابتکار کمربند و جاده چین؛ کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال- جنوب با هدف اتصال هند از طریق ایران به روسیه، آسیای مرکزی و اروپا؛ توافقنامه عشق‌آباد با هدف اتصال آسیای مرکزی به آب‌های بین‌المللی از طریق ایران و خلیج فارس و در نهایت کریدور جدید آی‌مک که هند را از طریق مرزهای جنوبی خلیج فارس به اروپا متصل می‌کند، جملگی از نمودهای عینی توسعه ارتباطاتی قرن جدید هستند. ایران که در مرکز غرب آسیا قرار دارد، به نوعی درگیر همه این فرایندهای ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی در منطقه و فراتر از آن است (Forough, 2021). از این رو یکی از محورهای سیاست همسایگی دولت سیزدهم، تبدیل ایران به نقطه تلاقی و چهارراه ارتباطی بین ابتکارات فوق است. در همین راستا، سید ابراهیم رئیسی در بیست‌ودومین اجلاس سران شانگهای تصریح کرد: «علی‌رغم پتانسیل‌های چشمگیر، اتصالات زیرساختی در حوزه ترانزیت میان اعضای سازمان همکاری شانگهای چندان گسترده نیست. ایران اولویت ویژه‌ای برای توسعه کریدور شمال / جنوب قائل است و سرمایه‌گذاری عظیمی انجام داده است. افزون بر آن، کریدور چین / آسیای مرکزی / غرب آسیا / دریای مدیترانه که از پتانسیل‌های بالایی برخوردار است، در شرایط کنونی بخش مهمی از راه‌حل توسعه تجارت میان شرق

¹ . Connectivity



و غرب اوراسیا محسوب می‌شود. با همکاری اعضای سازمان همکاری شانگهای می‌توان زمینه لازم برای اجرایی شدن این کریدور و بهره‌مندی اعضا از مزایای آن را فراهم آورد. شکل‌دهی به «ترانزیت پایدار» نیازمند همکاری چندجانبه اعضا در توسعه زیرساخت‌های سخت و نرم است. تأمین مالی مشترک زیرساخت کریدور شمال- جنوب، و همچنین کریدور چین- غرب آسیا- دریای مدیترانه و نقش‌آفرینی مشترک در اجرایی نمودن و مدیریت آن‌ها را می‌توان به‌عنوان یک راهکار، در قالب سازمان همکاری شانگهای مطرح کرد. مایلم اعلام نمایم شبکه حمل‌ونقل و ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران و نیز ظرفیت‌های بندری ما در دریای خزر، خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند در خدمت تقویت مواصلات در سازمان همکاری شانگهای می‌باشد» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۲۵ شهریور ۱۴۰۱). اتصال ایران به کریدورهای اقتصادی و ارتباطی بین‌المللی در گروه وجود زیربنای مرتبط به آن در کشور است. در همین راستا، تقویت مسیر پاکستان، ایران و ترکیه، مسیر ریلی شلمچه- بصره، تکمیل خط آهن چابهار- سرخس و همچنین راه‌آهن چابهار- زاهدان و اتصال دریای عمان و خلیج فارس به اروپا، تکمیل کریدور شمال- جنوب (به ویژه محور رشت- آستارا و پروژه ریلی کاسپین - بندر انزلی) و کریدور شرق دریای خزر (اینچه برون) از جمله پروژه‌های در دست‌ور کار دولت سیزدهم برای تقویت جایگاه ترانزیتی ایران است که با جدیت در حال پیگیری است.

۴. عضویت و حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای: عضویت و حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بخش مهمی از سیاست خارجی دولت سیزدهم مبتنی بر دکترین همسایگی و همگرایی است. حضور فعال در اجلاس‌ها و مجامع منطقه‌ای عمدتاً با محوریت شخص رئیس‌جمهور، عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، عضویت در شانگهای و عضویت در بریکس از نمونه‌های عینی پیگیری جدی این سیاست است. سوی دولت سیزدهم است. نیاز به بحث ندارد که عضویت و حضور فعال ایران در سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی مزایای بلندمدتی برای ایران دارد. این موضوع ایران را به طور رسمی وارد فرایند گفت‌وگوی قانونی در تمامی مسائل اقتصادی- امنیتی منطقه و آسیا به‌ویژه در آسیای مرکزی، جنوبی و غربی تبدیل می‌کند. علاوه بر این، عضویت و حضور فعال ایران در سازمان‌های بین‌المللی، مشروعیت بین‌المللی، قدرت نرم و قابلیت شبکه‌سازی ایران را در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی به ارمغان می‌آورد که همگی می‌توانند به طور بالقوه به منافع اقتصادی تبدیل شوند.

نتیجه‌گیری

ایران دومین کشور دارای بیشترین تعداد کشور همسایه در جهان است. این ویژگی ظرفیت بالقوه‌ای است که در عین فرصت‌ساز بودن، می‌توان چالش‌زا و تهدیدآفرین نیز باشد. اینکه کدامیک از دو وجه فوق به فعلیت می‌رسد، بیش از هر عاملی به برداشت حاکمیت سیاسی و جهت‌گیری سیاسی آن در قبال این ظرفیت بستگی دارد. واقعیت این است که در تاریخ معاصر ایران این غالباً وجه چالش‌زا و تهدیدآفرین محیط همسایگی بوده که رخ نمایانده است. هر چند تغییر مداوم مرزهای همسایگی و ژئوپلیتیک همسایگی دائماً در حال تغییر ایران در شکل‌گیری این وضعیت دخیل بوده اما برای تحلیل این وضعیت باید عوامل مهمتری چون کم‌توجهی دولت‌های گذشته به اهمیت و جایگاه محیط همسایگی در منظومه روابط خارجی و برداشت حداقلی آن‌ها از همسایگی و فقدان سیاست همسایگی مدون و راهبردی توجه داشت.

دولت سیزدهم با درک خلأ تاریخی سیاست همسایگی در سیاست خارجی ایران و کم‌توجهی به فرصت‌های آن، سیاست خارجی خود را بر پایه دکترین همسایگی و همگرایی بنا نهاده است. در چارچوب این دکترین، توسعه مناسبات با همسایگان و پیشبرد همگرایی منطقه‌ای حلقه گمشده روابط خارجی و عنصر توازن‌بخش سیاست خارجی کشور است. در این راستا، دولت سیزدهم با نگاهی موسع به محیط همسایگی (شامل همسایگان هم‌مرز و همسایگان همسایگان) و تعریف سیاست همسایگی فراتر از مقوله حسن همجواری و برپایه اصولی چون احترام به

تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی، نظم منطقه‌ای درون‌زا و بومی، امنیت همکاری‌جویانه و تعامل متقابل، آن را شرط ضروری شکل‌دادن به مناسبات راهبردی و نظام‌مند با همسایگان و پیش‌نیاز همگرایی منطقه‌ای می‌داند.

دولت سیزدهم به سیاست همسایگی به‌عنوان یک راهبرد ثابت و پایدار می‌نگرد و نه یک تاکتیک مقطعی و گذرا. بنابراین پیشبرد آن نیازمند یک سیاست همسایگی مدون و تحقق آن نیازمند یک راهبرد مشخص است. در این چارچوب، دولت سیزدهم با درک واقعیت‌های منطقه به‌ویژه چالش‌های کلانی مانند پدیده معضل امنیت و ضعف همکاری‌های نهادمند منطقه‌ای، باور دارد که منطقه یک‌شبه از این وضعیت خارج نخواهد شد و هیچ فرمول جادویی جز آغاز روند اعتمادسازی متقابل دوجانبه و منطقه‌ای، ثبات‌سازی منطقه‌ای، تقویت و توسعه همکاری‌های اقتصادی نهادمند و تسری آن به همکاری‌های امنیتی هماهنگ و جمعی وجود ندارد.



منابع

- اکبری، عابد و مهدی میرمحمدی (۱۴۰۰). سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران: بایسته‌ها و الزامات، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها؛ ساختار امنیت بین‌المللی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۲۹ بهمن ۱۳۹۲). "ابلاغیه سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»"، قابل مشاهده در:
<https://www.leader.ir/fa/content/11480>
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۱۴ مرداد ۱۴۰۰). "متن کامل سخنرانی و ادای سوگند رئیس‌جمهور در مراسم تحلیف"، قابل مشاهده در:
<https://www.president.ir/fa/130295>
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۲۰ آذر ۱۴۰۰). "سخنرانی رئیس‌جمهور در گردهمایی روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه"، قابل مشاهده در:
<https://www.president.ir/fa/133255>
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۲۵ شهریور ۱۴۰۱). "سخنرانی رئیس‌جمهور در بیست و دومین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای"، قابل مشاهده در:
<https://www.president.ir/fa/139498>
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۲۶ شهریور ۱۴۰۰). "سخنرانی آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در بیست و یکمین اجلاس سازمان همکاری شانگهای"، قابل مشاهده در:
<https://www.president.ir/fa/131324>
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۲۹ شهریور ۱۴۰۲). "سخنرانی رئیس‌جمهور در هفتاد و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل"، قابل مشاهده در:
<https://www.president.ir/fa/146720>
- پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه (۳ اسفند ۱۴۰۰). "سخنرانی آیت‌الله رئیسی در نشست با تجار و فعالان اقتصادی قطری و ایرانی"، قابل مشاهده در:
<https://mfa.ir/portal/newsview/671257>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱ فروردین ۱۳۹۳). "بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی"، قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱ فروردین ۱۴۰۰). "سخنرانی نوروزی مقام معظم رهبری خطاب به ملت ایران"، قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47576>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۲۱ شهریور ۱۴۰۱). "ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت"، قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50920>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۲۶ آذر ۱۳۹۹). "بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی"، قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46944>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۴ آذر ۱۳۹۹). "جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی در حضور رهبر انقلاب"، قابل مشاهده در:
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=46856>
- روزنامه ایران (۲۳ آذر ۱۴۰۲). "افزایش ۹ درصدی صادرات ایران به همسایگان"، شماره ۸۳۵۴، ایران اقتصادی، پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۲.
- طاهایی، سیدجواد و سیدرضا موسوی‌نیا (۱۳۹۲). همسایگی؛ نظریه‌ای برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های سیاست اسلام، سال اول، شماره چهارم، صص ۱۹۲-۱۶۵.
- مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۸ بهمن ۱۴۰۰). "سخنرانی آقای دکتر حسین امیرعبداللهیان وزیر محترم امور خارجه در همایش ملی ایران و همسایگان"، قابل مشاهده در:
<https://ipis.ir/portal/newsview/669138>
- مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۲۸ آذر ۱۴۰۱). "سومین مجمع گفت‌وگوی تهران؛ نشستی با رهیافت دوستی و اعتمادسازی"، قابل مشاهده در:
<https://ipis.ir/portal/subjectview/703407>

References

- Bill, J.A. (2001). "The politics of hegemony: The United States and Iran", *Middle East Policy Council*, 8(3): 89-100.
- Bulmer M. (1986). *Neighbours: The Work of Philip Abrams*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Chua, HakBin and Alberto Fabián Ades (1993). "Regional Instability and Economic Growth: Thy Neighbor's Curse", Center Discussion Paper, No. 704, Yale University, Economic Growth Center, New Haven, CT.

- Grechyna, Daryna (2017). "Political Instability: The Neighbor vs. the Partner Effect", MPRA Paper No. 79952, available at: <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/79952/>
- Deutsch, Karl W., Sidney A. Burrell, Robert A. Kann, Maurice Lee Jr, Martin Lichterman, Raymond E. Lindgren, Francis L. Loewenheim and Richard W. Van Wagenen (1957). *Political Community and the North Atlantic Area*. Princeton: Princeton University Press.
- Florea Dumitrița and Narcisa Gales (2020). "Affirming the Principle of Good Neighborliness in International Relations", *Logos Universality Mentality Education Novelty Law*, Volume 8, Issue 2, pp. 1-10
- Forough, Mohammadbagher (2021), Geographic Agency: Iran as a 'Civilizational Crossroads' in the Belt and Road Geography, in: Florian Schneider (ed.), *Global Perspectives on China's Belt and Road Initiative: Asserting Agency through Regional Connectivity*, Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Jackson, Steven F. (2006). "China's Good Neighbor Policy: Relations with Vietnam and Indonesia in Comparative Context". *Presented to the International Studies Association Annual Meeting*. Sandiego Panel WD20 Chinese Foreign Policy.
- Keller, Suzanne (1968). *The Urban Neighborhood: A Sociological Perspective*. New York: Random House.
- Lee, Melissa (2018). "The International Politics of Incomplete Sovereignty: How Hostile Neighbors Weaken the State." *International Organization*, Volume 72, Issue 2, spring 2018, pp. 283 – 315.
- Lin, Gang (2010). "Good Neighbor or Bad Neighbor? Explaining China's Neighborhood Policies". Prepared for the 16th Annual North America Taiwan Studies Conference.
- Morgan, David. (2009). *Acquaintances: The Space between Intimates and Strangers*. Maidenhead; New York: Open University Press.
- Murthy, P.N. and M.R. Pai (1986). "Neighborhood Relations and International Conflicts". *International Conflict Resolution*. Ohio, USA, 1986.
- Naigen, Zhang (2016). "The Principle of Non-interference and its Application in Practices of Contemporary International Law". *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, Volume 9, Number 3, pp. 449–464.
- Sanidas, Elias (2018). "World Trade: The Importance of Neighbors". *International Journal of Economics & Management Sciences*. Volume 7, Issue 1. Pp.1-6.
- SIPRI (2011). "Towards a Regional Security Regime for the Middleeast". *Stockholm International Peace Research Institute*, available at: <https://www.sipri.org/sites/default/files/files/misc/SIPRI2011Jones.pdf>
- Sullivan, Jake (2023). "Keynote Address by National Security Advisor Jake Sullivan". Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/keynote-address-national-security-advisor-jake-sullivan>
- Tana (2019). "Stabilization-Development Nexus, Literature Review". Tana Copenhagen. Available at: https://tanacopenhagen.com/wp-content/uploads/2020/06/stabilization-development-nexus_low.pdf
- Wolf, Siegfried O. (2018). "Conceptualizing Economic Corridors and Its Significance for South Asia". *Stosunki Międzynarodowe – International Relations*. Volume 54, Number 2, pp. 70-103.
- Wrighton, Sam (2022). "Trust in International Relations, Public Diplomacy and Soft Power". *British Council*. Available at: https://www.britishcouncil.org/sites/default/files/trust_in_international_relations_public_diplomacy_and_soft_power.pdf

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی